

سال هفتم	شمارهٔ ۲۰۵
سه شنبه ۲۱ آبان ماه	۱۳۸۷
برابر با ۱۲ ذی‌القعده	۱۴۲۹

این مقاله به‌طور کلی به‌کار رفته‌است.

**پرافتخارترین مقطع تاریخ ایران**



هشت سال دفاع مقدس بدون تردید یکی از پرافتخار ترین مقاطع تاریخ انقلاب و تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. هر اندازه که زمان سپری می‌شود و تعصب و جهل فرو می‌شیند عظمت و اهبت کاری که مردم ایران در طول این هشت سال انجام دادند نمایانتر می‌شود.

مردمی که تازه انقلاب کرده بودند و لودرها و بولدورها را برداشته و به روستاها برده بودند تا در قالب **جهد سازندگی** کشور ویران و ستم زده شاهی را آباد کنند درگرمای گرم انقلاب و کار و تلاش بودند که همسایه غربی ما و رهبر نانچینش به طمع افتاد و از فروپاشی نظام سلطنت و تضعیف ارتش ایران استفاده کرد و به ایران یورش برد.

اما جماعت ایران و ایرانی از عرب و کرد و ترک گرفته تا فارس و بلوچ همه زندگی و کار روزمره را رها کرده و به جبهه شتافت تا از این گریه ملوس که ایران نام دارند پاسداری کند و حسرت حتی یک وجب خاک وطنش را نیز بر دل دشمن بنهد.

جوان ایرانی آن بلدوزرها و لودرها را از روستاها برداشت و هر میز برد تا برای برادر رزمنده اش سنگر بسازد و مادر در خانه نشست و برای فرزندانش پدری و مادری کرد تا شوهرش با خیالی راحت از خانه و کاشانه اش دفاع کند.

در طول سالهای جنگ تحمیلی زنان و مردان به یک اندازه برای حفظ ایران اسلامی تلاش کردند. تلاش رزمندگان مرد به حمدا... بسیار پررنگ مطرح شد اما مظلومیت زن ایرانی که نیمه پنهان جنگ می‌باشد هنوز به واکاوی‌های بسیاری نیاز دارد که باید توسط خود بانوان گفته و روایت شود.

بهرحال آن هشت سال جنگ تحمیلی با تمام فراز و نشیبها، تلخی و شیرینی‌ها، ندانم کاری و تعلق‌گری‌ها جز درخشان‌ترین قطعات تاریخ ایران ما می‌باشد. ایران تا ایران است و ایرانی تا وطنش را دوست دارد خاطره غرورآفرین هشت سال دفاع مقدس در ذهنها باقی خواهد ماند. آن هشت سال با همه تلخحیا سپری شدند اما ایران وارث افتخاری شد که می تواند همیشه به آن ببالد.

ما در این جنگ، هزاران نفر از عزیزترین جوانان و پیران کشور را از دست دادیم. هنوز هم در مژده، اتوبوس و خیابان می‌سانسالمایی را می بینیم که یک یک با دو پایشان را در جبهه بر روی مینها جا گذاشته‌اند و سالهاست که ویلچر نشین هستند اما با وجود تمام همه این تلخحیا شادمانیم که حتی دم این گریه ملوس از آن جدا نشد.

این گریه مثل سالهای قبل از جنگ آرام و خوشواب در آسیا و خاورمیانه خوابیده و همچنان پربابت و قدرتمند است.



رهبران نهضت

درهرجامه‌ای مجموعه‌ای از نیروهای مختلف وجود دارند که درطیف بسیار وسیعی از کفر تا ایمان طبقه بندی می شوند.درمواجه بانهضتهای الهی عکس‌العملهای خاص خودرانشان می‌دهند.یه گونه ای که پاره ای از مردم تامرز شهادت و ایثار جان و مال از مبانی عقیدتی وارزشهای مکتبی آن نهضت الهه حمایت می‌کنند و عده ای دیگر درموضع کفر والحاد خود، سرسختانه درمقابل آن قرار می‌گیرند. سایرپرودم نیزبه سبب شرایط روحی وزمینیه های ایمانی دربین این دوطنب قرار دارند وبیشترین گرایش آنها به یکی ازاین دوگروه است.

انقلاب اسلامی نیزمواجه بااین واقعیت اجتماعی بوده است،به این دلیل وجود گرایشهای شدیدی مذهبی و زمینه های وسیع وگسترده ای، گروههای گسترده ای از مردم دراین کشاکش ، طرفدار همه جانبه خود را از تحقق احکام خدا و تنفر خودرا ازحاکمیت طاغوت درصحنه های این نهضت به اثبات رسانیدند وپایبندی خود را به آرمانهای مقدس انقلاب اسلامی بانثار قطره قطره خون خود امضاء نمودند.

دردتادوم انقلاب ودرمواجه باتوطئه های مختلف استکبار جهانی وپیش آمدن ابتلاکات مختلف جانبیاختگان مکتب عشق وایثار، سرازای نشناختن وپاتعالی معنوی وعرفانی درصفت مقدم مبارزه با استکبار جهانی وایادی مزدوران ، پیشتارصحنه های خون وشرف گردیدند. اوج این ایثارگریها درمیدانهای مبارزه حق علیه باطل ودرجای جای مین اسلامی، از کردستان تا خوزستان درهنگامه خون وخطروعشق و شرف نمایان گردید.

این مجموعه اسانهای الهی وعارفان عاشق چنان واله وشدیای امام ومقتدایشان بودند که پادرجای پا و سایه به سایه وی همچون مولایشان، شیران روززاهدان شب شدند که نردبان عروجشان جهادداکبرو جهادافصربود.آن عزیزمیدانهای مبارزه باکفرا دانشگاهی می‌دانست که دانش پژوهان آن درس ایمان، ایثار، تقوا، جهاد وشهادت رادرمراتب مختلف فرمای گردنفتند . وی برخاستگان از این مکتب را “رهبران این نهضت” می‌نامید زیرا ازهمزهرتمین مشخصه‌های رهبران است که آگاه به شرایط زمان ومکان باشد و بااعتقاد وایمان راسخ درراه تحقق آرمانهای مکتب از نثار جان

از روزی که شنیدم پیرمردی رزمنده و با ایمان و دریا دل به عنوان پیرترین رزمنده و جانباز دفاع مقدس در حالی که ۱۰۳ سال از عمر با برکتش می‌گذرد، در استان فارس و شهرستان فسا زندگی می‌کند شوق دیدارش بر دلم نشست هرگاه به عکسش که زینت بخش برخی نشریات شده بود نگاه می‌کردم حال و هوای جبهه‌ها در نظرم مجسم می‌شد و خود را در سنگرهای شجاعت و ایثار می‌دیدم.

پیرمردی که با دیدنش بی اختیار ندیمی از فداکاری و ایمان ملت بزرگ ایران در دفاع از ایران و اسلام در ذهنم شکل می‌گیرد و کبوتر خیالم به روزگاری پرواز می‌کند که دفاع از انقلاب اسلامی ، کوچک و بزرگ را نمی‌شناخت و همه پروانه وار بر گرد وجود شمع فروزان پاک الهی حضرت امام خمینی (ره) به پرواز در آمده بودند تا پوزه ناپاک متجاوزان به خاک مقدس و دلیرپرور ایران عزیز را به خاک بمالند .

راستی چه شیرین روزگاری بود که هر چه از آن زمان می‌گذرد حلاوت دلنشین آن مردانگی هاو جوانمردیها را بیشتر حس می‌کنیم و غریبی و غربت آن حماسه سازان نیزبراینه روزگار آشکارتر می‌بینم ای کاش بیشتر و بهتر می‌دانستم و یا بهتر بگویم صادقانه می‌خواستیم ، شیرینی شربت آن دلاور مردی‌ها و پاک‌ی‌ها را با لبان تشنه نسل حاضر بنشانیم و هنرمندانه الگوی‌های بزرگی و پاک‌ی‌ها در مقابل دیده گانشان ترسیم نماییم ، تا برخی از آنان الگوهای فریبنده و دل آزار را در آن سوی مرزها جستجو نکنند و به دام شیطنی آنان نیفتند .

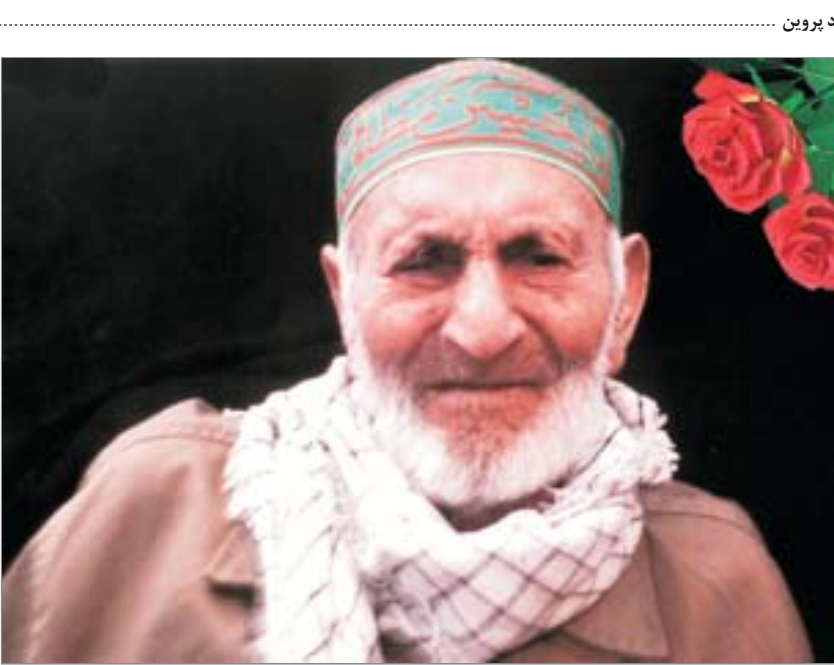
اکنون درمقابل پیرترین رزمنده و جانباز دفاع مقدس حاج صفر قلی رحمانیان نشسته ایم او متولد سال ۱۲۸۵ هجری خورشیدی یا ۱۰۳ سال سن که درکارنامه پرافتخار ۶۶ تا ۶۸ ماه حضور درجبهه‌ها را دارد و در سال ۱۳۸۶ تمیر یاد بود این پیر سبسیجی با صفا به همت مرکز فرهنگی دفاع مقدس خرمشهر وابسته به بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و با همکاری پست جمهوری اسلامی ایران و در کنار کاروانی سمبل پایداری ملت ایران چاپ و درموزه تمیز اسرار قدس رضوی و موزه دفاع مقدس خرمشهر نصب و رونمایی شد . پیرمردی پارسا و روشن ضمیر که روحانیت سیمایش از نورانیت قلبش حکایت دارد و رستم گونه و آرش وار چون کوهی استوار بر عهد خویش با خدایش ایستاده است او که از جوانی دل در گروی ایمان به خدا و عمل صالح داشته و از گذشته‌های دور در افکار و

این مقاله به‌طور کلی به‌کار رفته‌است.

**حاج صفر قلی رحمانیان**، **پیر ترین رزمنده دفاع مقدس****<sup>‏</sup>**

# فقط خدا مددکارم است

■ **گفتگوی اختصاصی روزنامه دریا با مسن ترین رزمنده هشت سال دفاع مقدس شهزاد بروین** .....



شرایط ترک نکرد و به رضای خداوند اندیشید . وقتی بیشتر دوستی معروف است . وقتی بیشتر جستجو می‌کنم از ایمان راسخ ملی او به وجد می‌آیم و از برخی اطرافیان و دوستانش پیرامون احوال و اعمالش جویا می‌شوم به نکته ای اساسی می‌رسم و آن چیزی نیست جزاینکه این پیررزمنده هر چه از دین می‌دانسته به یقین عمل می‌کرده است و در زندگی نورانش هیچ چیز با اهمیت تر از نماز و خواندن آن در اول وقت به همراه تمامی مستحاجات و بویژه استمرار بر اقامه نماز شب نبوده است .

با این اوصاف اندکی بخود می‌آیم و می‌بینم در برابر کسی نشسته ام که نه ادعایی دارد و نه جملات آنجانی در نشان دادن دینداریش ، ولی کوهی از

بزرگی و ایمان به خدا و ارادت به ائمه اطهار و با قلبی به‌پاکی نسیم سحرگاهان آنگاه که مودن خالصانه آنان می‌گوید در برابر خود می‌بینم و عاشقانه به حماسه آفرینان دفاع مقدس و شهیدان پاک و سرافرازش می‌بالم که پیرترین رزمنده دفاع مقدس ما از روزگار جوانی و بسیار دور به‌پاکی و ایمان و امانتداری و مین دوستی مشهور بوده است و حتی در ایام سربازی که بقول خودش در قشون رضا خان قلدر گذرانده است خانواده جبهه خانه اولشان بوده است .

و بی‌توجهی به مبانی دینی آن دوران ، رکن اساسی از ارکان زندگی این رزمنده می‌بینم در برابر کسی نشسته ام که با وجود فتنه‌های فراوان نظامی رضا خان نمازش را در سخت ترین

نیست و از انجام کارهای ضروری خویش نیز ناتوان است و برای جابجایی او باید دیگران به یاریش بیایند اما آنچه که مرا شگفت زده کرد این بود که این همه مشکلات و سختی‌ها ذره ای از ایمان راسخ این اسطوره ملی نکاسته بلکه این امر را آزمایشی از جانب خداوند برای خود و اطرافیان می‌داند . از ایشان می‌پرسم که آیا تا به حال کسی از دفاع مقدس را دارند به سرآغش آمده اندیا چیزی؟ آیا می‌دانند که این پیردلاور چگونه زندگی می‌کند ? پاسخم دیده برآسمان بیکران الهی می‌بوزد و می‌گوید فقط خدا مددکارم هست و بجز او و برخی از فرزندان و نوه‌هایم و یکی از رزمندگان سابق که حالا پزشک شده است به نام آقای دکتر نبی‌الله نجبرکسی را ندیده‌ام و ادامه می‌دهد : ما برای رضا خدا و دفاع از مین اسلام و اطاعت از فرمان حضرت امام به جبهه‌ها رفتیم و فقط از خدا می‌خواهم که مرا با امام و شهیدان مشغور نماید .

وقتی این جمله‌ها از این رزمنده پیر می‌شنوم ناخودآگاه به یاد جمله ای از حضرت امام خمینی (ره) می‌افتم که فرمودند: نگارندهٔ پیشگوستان جهاد و شهادت به فراموشی سپرده شوند . در همین حال از خاطرات شیرین و ماندگارش می‌پرسم و مشتاقانه پاسخ می‌دهد و می‌گوید : در ابتدای سال گذشته خداوند توفیق داد که سوار بر ویلچر همراه بافرزند جانایزم حاج علیرضا به زیارت خانه خدا و مرقد نورانی پیامبر عزیز اسلام و ائمه اطهار بقیع بروم و در همین سال نیز برای رونمایی متمرد در موزه امام رضا (ع) توفیق زیارت امام هشتم نصیب شد . خوشحال از اینکه بطور خصوصی‌هم به دیدار مقام معظم رهبری حضرت آیت ا...خامنه‌ای رفته‌است و بر رستان رهبر خود بوسه زده و رهبر معظم انقلاب نیز بر پیشانی این رزمنده پیر که عمری در محراب عبادت به سجده رفته است بوسه می‌زند و برایش دعا می‌فرمایند او خدا می‌خواهند تا این رزمنده مجاهد و اسطوره ایران زمین را تا انقلاب مهدی حفظ نمایند. در پایان می‌گویم چه جزئیاتی داری و از خدا چه می‌خواهی ? پاسخم را با یک جمله کوتاه می‌دهم و می‌گویم : آنروزم سرافرازی و آبادانی ایران است از خدا می‌خواهم که مردم ایران با ایمان و در ساییش باشند .

براستی آنچه دیدم مظهر زهد، پارسایی و غیرت و شرافت ملت بزرگ ایران است بیایم به سرمایه‌های معنوی و احساسی دفاع مقدس و مین عزیزمان بی‌تفاوت نباشیم .

■ **با ساکنان بهشتی**

■ **شهید عبدا... ۱۵۱۵ اکبر نیا**



شهید عبدا... دادا کبر نیا در روستای توکهور از توابع هشتبندی در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود . ابتدایی را در همان منطقه گذراند و برای ادامه تحصیل راهی میناب شد و تا کلاس سوم راهنمایی درس خواند . از آنجایی که علاقه خاصی به ائمه اطهار (ع) داشت طلبگی را انتخاب نمود و مدت سه سال در حوزه تازه تاسیس میناب به تحصیل پرداخت و جهت دوره تکمیلی به قم مهاجرت کرد . او در تاسیس موسسات خیریه و شورای محل فعالیت چشم گیری داشت . در تظاهرات شرکت می‌نمود . وی از اخلاق شایسته‌ای برخوردار بود و همیشه تبسم بر لب داشت. هرگاه شخصی با عصبانیت او یا برخوردی می‌کرد با لحن نرم و ملایمش آتش او را فرو می‌نشاند. این طلقه برکف در تاریخ ۱۳۶۵/۸/۰۴ در عملیات ام الرصاص مفقود الاثر گردید.

■ **شهید نصرا... روشی**

شهید نصرا... روشی در قره محروم انار کوه در یک خانواده روحانی و مذهبی چشم به دنیا گشود . از همان سنین کودکی علاقه زیادی به دروس مذهبی و دینی داشت . در محضر پدرش تعلیم و تربیت یافت و قرآن را فرا گرفت . بعد از اتمام دوران ابتدایی پا به مدرسه راهنمایی گذاشت و به مدت دو سال در مدرسه راهنمای دکتر علی شریعتی مشغول تحصیل بود اما علاقه وافری که به فرا گرفتن مسائل فقهی دینی داشت ، او را به این سو کشاند که در مدرسه علمیه روان مشغول به تحصیل کرد . وی بعد از مدتی به یزد رفت و در مدرسه علمیه خان به تحصیل علوم دینی پرداخت . اشتیاقش به شهادت او را به سوی جبهه‌های حق علیه باطل کشاند. شهید بعد از مراجعت از جبهه که به مدت چهار ماه طول کشید به ادامه تحصیالش مشغول شد اما با بمباران و موشکباران شدن شهرهای مینمان ، درمعت کاروان حضرت مهدی ( عج ) راهی جبهه شد تا اینکه در عملیات کربلای پنج به آرزوی دیدنش نایل گردید .

■ **شهید کیدای زارعی**

شهید کیدای زارعی در سال ۱۳۴۶ در روستای کرت رتی از توابع بشاگرد چشم به دنیا گشود . دوران ابتدایی را در همان منطقه گذراند و برای ادامه تحصیل راهی میناب شد و تا سوم راهنمایی به تحصیل پرداخت . مدت سه سال در حوزه علمیه میناب که به تازگی هم تاسیس شده بود مشغول فراگیری دروس شد و سپس جهت تکمیل دوره به قم سفر کرد . وی به نماز بسیار اهمیت می‌داد . همیشه به دیگر همزمانش و اقشار مختلف مردم توصیه می‌کرد که راه امام را ادامه دهند. از کمک به دیگران دریغ نمی‌ورزید و همیشه سعی در برطرف نمودن مشکلات دیگران می‌نمود . وی از جمله بسیج به جبهه اعزام شد و به مدت پنج ماه در جبهه فعالیت داشت تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۵/۳/۲ در منطقه شلمچه مفقود الاثر گردید .

■ **با تشکر از معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان هرمزگان**

این مقاله به‌طور کلی به‌کار رفته‌است.

ناهنجاریهای رفتاری معلولان جسمی وذهنی ارائه می‌کنند ، برای جانبازان نیز پیشنهاد می‌نمایند. ۲- دسته‌ای دیگر از افراد که باراً از این امر فراتر گذاشته وجانبازان رختی از معلولان ژنتیک نیز بیشتر تنزل داده ومعتقدند ، که جانبازان علاوه برمولیلهای جسمی وذهنی دچار بیماریهای روحی وروانی ونیزضایعات اخلاقی ورفتاری ناشی از جبهه وجنگ نیز می‌باشند وراه کارهای اصلاح رفتار معلولان هادی ونشوه های اجتماعی کردن آنان چاره‌گشای مشکل جانبازان نیست ولازم است درابتدا آثار وعوارض روحی ناشی از جبهه وجنگ را از زوایای روحی وذهنی آنان پاک نمایند.

ایشان درواقع عزیزان جانباز وزمندگان سلحشور جبهه‌های حق علیه باطل واین دانش آموختگان دانشگاه عشق وشهادت راافرادی خشن غوراجتماعی وناآشنا با آداب ومعاشرت می‌دانند که دارای دلبینی نسبت به دیگرانند. این تفکر به صورتی دیگر دررسانه های گروهی غرب مطرح می‌شد. آنان رزمندگان ایثارگرواضمتی فریب خورده قیامت وبهشت ودیوانگانی که بی هیچ منطقی وملاحظه به میدان مین می روند واقام به انفجار می‌کنند می‌دانستند. بطلان این دیدگاهها بسیارواضح است وبامراجعه به گروه عظیم جانبازان وانگیزه های قوی ومقالی آنان در حرکت‌های اسلمی نادرست بودن این نظریه‌ها آشکار می‌شود.

لازم است متذکر شویم که این افراد با اشاره به موارد بسیارنادر واستثنایی وبااستفاده از ابزارها ومعیارهای غلط و با ذهنیت های قالبی از پیش تعیین شده وبامشاهده جزئی وموردی دست به تعمیم می‌زنند و از موارد جزئی نادرحکم کلی وقطعی استنباط می‌نمایند.

۳-سومین دیدگاه اعتقاد براین امردارد که جانبازان به لحاظ رفتاری ، اخلاقی واجتماعی بااقتضای از جامعه تفاوت‌های جدی وجهمگیر دارند لیکن نکته اساسی دراین است که این اختلاف‌ها ناشی از عقب بودن آن گروه از جامعه‌است که نتوانسته‌اند خود ربابآرمانهای بلند انقلاب کاملاً وفق دهند وفرهنگ جامع وکامل اسلامی رابه تمام وکمال درتأمای زوایای وجودی خود نفوذدهند. درکلمه حرکات ورفتارهای خوررضای خدارانظرنگرند ودریک کلام خودرادرمجرای صحیح احکام خدا قرار دهند.

برای ایجاد سازگاری وهنجارهای اجتماعی دراینطه بین جانباز واین گروه لازم است که آن اقشار ربابفرهنگ جانبازی آشنانمود و رفتار آنان راصلاح کرد خلاصه آنکه باید جامعه رابه سمت ویژگیهای جانباز آرمانی تعالی بخشدینه آنکه جانبازان رازااوج ایثارگری تنزل داد. درپایان ذکراین نکته ضروری است که درجامعه جانبازان وهرجامه دیگرممکن است عده بسیارقلیلی باشند که با فرهنگ ایثارو جانبازی سنخیت ومهماهنگی کامل نداشته وباید آنان راترکیه واصلاح ودرنهایت جانن چه هدایتی مشرورآقع ننگرد حساب آنان رازجامعه جانبازان جدانمود.



# کوچکترین خراش و جراحی می تواند سلامتی شما

# را به خطر اندازد

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی هرمزگان ( کمیته آموزش همگانی سلامت )



# ایثار ، بستر

# فرهنگ

# عمومی

این مقاله به‌طور کلی به‌کار رفته‌است.